

متن سخنرانیهای روز اول^۱

ساعت ۲۰:۱۰-۲۲:۳۰

موضوع بحث: ایران بعد از انتخابات مجلس

شروع کنفرانس با صدای مجری به زبان آلمانی [هو کردن، سوت زدن و کف زدن حضار]، [برخی از حضار: قاتلا- مرگ بر جمهوری اسلامی- شعارهای نامفهوم- خائن]

احمد طاهری (مجری): خطاب به شرکت کنندگان [با عصبانیت]: دوستان عزیز، دوستان عزیز [هو کردن برخی]، دوستان عزیز یک دقیقه گوش بکنید، شما که آزادیخواه هستید، یک دقیقه گوش کنید [سر و صدای نامفهوم همراه با هو کردن برخی از حضار]، یک دقیقه گوش کنید، ببینید ما چه می‌گوییم، داد بزن [برخی شعارهای نامفهوم]، من خائن، درست [است] خائن، حالا ببینید خائنین چه می‌گویند، خانم [داد و فریاد کردن برخی از حضار] شما یک دقیقه گوش کنید، ببینید خائنین چه می‌گویند [فریاد بعضی همراه با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی] شما می‌خواهید این جلسه نشه یا چی؟ [سر و صدای حضار- مرگ بر قاتلین] می‌خواهید این جلسه نشه اصلاً، تموم بشه مردم چی میگن؟ کی میخواد جلسه بشه؟ کسانی که جلسه می‌خواهند بگویند. [تشویق حضار] جلسه بشه یا نشه؟

۱. متن سخنان ارائه‌شده در کنفرانس برلین و پرسش و پاسخ سخنرانها و دعوت‌شدگان به کنفرانس از نوار پیاده و با متنهای ارائه‌شده در روزنامه‌ها و مجلات ایرانی از جمله: ماهنامه پیام امروز شماره ۳۹، ماهنامه زنان شماره ۶۳ و روزنامه ایران، عصر آزادگان، ابرار و سایت اینترنتی ایران امروز، شهروند و نوار ویدئویی کنفرانس مقابله و حتی‌الامکان به صورت کامل در اینجا آمده است.

[تشویق اکثریت حضار] صدای مجری آلمانی جلسه [سر و صدای حضار و صدای مجری ایرانی: گنجی و سبحانی کجا هستند؟]

صدای مجری آلمانی جلسه: به شما مربوط نیست که کسی بلند نمیشه، آنهایی که معتقدند بلند می شوند.

صدای مجری آلمانی: بفرمایید بنشینید [صدای شعار چند نفر: مرگ بر جمهوری اسلامی]، [مجرى آلمانی].

سخنران آلمانی به مدت چند دقیقه سخنرانی کرد که در آخر با تشویق اکثریت حضار به پایان رسید.

صدای مجری آلمانی: [با عصبانیت، اعتراض چند نفر و تشویق اکثریت] معرفی شرکت کنندگان از طرف مجری به زبان آلمانی: عزت الله سبحانی [تشویق مکرر حضار] یوسفی اشکوری [هنگام معرفی اشکوری شعار گروهی: آخوند برو گمشو، چند بار] سید کاظم کردوانی [تشویق حضار و هو کردن چند نفر]، مهرانگیز کار [تشویق شدید حضار] معرفی اکبر گنجی [تشویق بسیار شدید حضار، شعار برخی از حضار: قاتل، قاتل...] [قاتل برو گمشو]

سخنان مهرانگیز کار

از نگاه من ایران بعد از انتخابات مجلس ششم گرفتار یک بحران جدی در حوزه قانونگذاری خواهد شد. مطالبات مردم ایران بسیار فراتر از شعارهایی است که مدافعان جریان اصلاح طلبی در ایران به آن توجه می دهند [می کنند] [تشویق حضار]. این مطالبات چنان است که ضرورت دآوری و بررسی عملکرد حاکمیت را نه تنها در ده سال گذشته، بلکه در ۲۱ سال گذشته امری لازم تحقق می بخشد و مردم ایران چنین توقعی از جریان اصلاح گرایی در ایران دارند [تشویق حضار]. مردم ایران به جبران نقض حقوق بشر در ۲۱ سال گذشته و نقض حقوق مردم توقع دارند که مجلس ششم با بازنگری دقیق در قوانین ایران موجبات تحقق بخشیدن به شعارهای اصلاح گرایی را به صورت قوانین مدون و لازم الاجرا فراهم سازد. در حال حاضر قوانین ایران به شعار ایران برای تمام ایرانیان و ارج نهادن بر حقوق

مخالفان و مشارکت همه مردم ایران بخصوص طیف وسیع و سکولار در ایران از مشارکت وسیع آنها در حیات سیاسی و اجتماعی کشور جلوگیری می‌کند. این قوانین در حوزه مطبوعات، در حوزه آزادی بیان و نشر [فریاد فردی: در آزادی زنان]، در حوزه زنان، در حوزه غیر مسلمانان، در حوزه دگرائیشان، در حوزه متهمان سیاسی و مطبوعاتی نیاز به بازنگری دقیق دارد [تشویق حضار].

مجلس پنجم قانونگذار ایران، ناگزیر است اگر بخواهد صادقانه در جهت تحقق شعارهای اصلاح‌گرایی اقدام بکند، موجبات تغییر اساسی در این قوانین و انطباق آنها را با موازین حقوق بشر فراهم سازد [تشویق حضار]. اما به لحاظ ساختار حقوقی و سیاسی که ما در آن به سر می‌بریم، آنچه گفته و ضروری است، خواستن است؛ اما توانستن نیست. زیرا به موجب اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران [فردی از حضار: مرگ بر این قانون] اولاً تمام قوانین و مقررات باید در انطباق با موازین اسلامی باشد [هو کردن بعضی]. نظر به این که قوانین عادی ایران تعریف واحد و منسجمی از موازین و مبانی اسلامی ارائه نداده است، در نتیجه مجریان قوانین می‌توانند هر یک به سلیقه خود و بنا به مصالح جناحی و سیاسی تعریفی از موازین اسلامی و مبانی فقهی ارائه دهد که در بسیاری از موارد با اصل آزادیها در تعارض قرار می‌گیرد.

بنابراین آسان نیست برای مجلس پنجم و مجلس ششم که به مطالبات وسیع مردم در امر قانونگذاری پاسخ فوری و مثبت بدهد، در نتیجه ما در انتظار بحرانهایی در حوزه قانونگذاری کشور هستیم و مکانیسم قانونگذاری مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متأسفانه مکانیسم و نظام پیچیده‌ای است که مشکل‌ساز است، بنابراین [فریاد زدن چند نفر] در مجلس ششم قانونگذاری مواجه خواهیم شد با مسائل عمده‌ای مانند ضرورت بازنگری در قوانین خشونت‌آمیز، بخصوص قوانینی که حقوق زنان (نیمه‌ای از جمعیت) را تضعیف نمی‌کند و در مواردی که شهروندان را به درجات مختلف تقسیم می‌کند و حقوق شهروندی مساوی تعیین نشده است [فریاد زنی: مگر آنها را آدم حساب نمی‌کنید]. با توجه به این پیچیدگی در نظام قانونگذاری کشور است که ضمن آنکه حوزه قانونگذاری را بعد از انتخابات مجلس ششم بحرانی تصور می‌کنیم، اما امیدواریم از یک

مکانیسم مثبت که در این قانون وجود دارد و عبارت است از ارجاع به همه پرس‌سی در مواردی استفاده بشود و موانع حقوقی از پیش پای اصلاحات در کشور برداشته شود. متشکرم [تشویق حضار]

سخنان عزت‌الله سحابی

بسم‌الله الرحمن الرحیم [هو کردن بعضی از حضار].

با سلام خدمت برادران و خواهرانی که حاضر می‌شوند حرف‌ها را بشنوند و اگر آنچه را با عقل و منطق، انطباق داشت می‌پذیرند و الا مخالفت نمی‌کنند. بنابراین [تشویق حضار] بنده با این امید که برادران و خواهرانم آمادگی گوش کردن به حرف ما هر چه باشد را دارند، سخن خودم را آغاز می‌کنم.

در انتخابات اخیر پارلمانی کشور ما در آخر بهمن ماه گذشته، اتفاقی افتاد که این اتفاق به لحاظ تاریخی حائز اهمیت است و انتخابات مجلس ششم را چیزی فراتر از یک انتخابات معمولی که در نظامهای دموکراتیک صورت می‌گیرد، برد و این که یک گروه پیروز شد یا یک گروه به اصطلاح شکست خورد و عقب ماند. این انتخابات معنایی و بُرد اجتماعی‌ای فراتر از این دارد، یک بُرد تاریخی دارد و آن بُرد تاریخی این است که در نزد تحلیل‌گران، کاوشگران و پژوهشگرانی که نسبت به پدیده انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ از قدیم و از سالهای بعد از انقلاب در داخل و خارج کشور تحقیق، مطالعه و اظهار نظر کرده‌اند، مشهور است که مردم ایران در انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ می‌دانستند چه نمی‌خواهند و لیکن نمی‌دانستند چه می‌خواهند. در این انتخابات دوره ششم مجلس نشان داده شد، یعنی مردم ایران، نه فقط گروه‌ها و نخبگان سیاسی بلکه توده مردم نشان دادند که واقعاً چه می‌خواهند، گرچه این رأی مردم ظاهراً رأی نه و منفی به جریانهای حاکم و غالب بر حاکمیت و دولت مادر طی بیست سال گذشته بود، گرچه رأی منفی به آن گروه‌ها و دسته‌هایی بود که با انحصارطلبی و خشونت‌گرایی می‌خواهند حاکمیت خودشان را بر کشور و ملت ادامه بدهند. اگرچه رأی، نه به اینها بود، و لیکن اثبات و تأیید جنبشی که از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ آغاز شده بود، نیز بود و آن جنبش همان جویری که رئیس جمهور محترم در انتخابات [هو کردن جمعی از حضار] سال ۱۳۷۶ اعلام کردند، آن جنبش مبتنی بود، به سمت:

۱. همزیستی مسالمت‌آمیز، همزیستی متعادلانه یا به اصطلاح جامعه مدنی

۲. ایران برای همه ایرانیان

۳. گفت‌وگو و مسالمت و حل مسائل از طریق عقلانی و منطق و گفت‌وگو به جای خشونت و به جای خصومت [تشویق حضار]. این برنامه رئیس جمهوری در سال ۱۳۷۶ بود، انتخابات سال ۱۳۷۸، بهمن‌ماه ۱۳۷۸، رأی مثبتی به انتخابات بود، به این اصلاحات، به این برنامه‌ها و به این سیاستها.

بنابراین، این انتخابات فقط رأی به عده‌ای از نمایندگان معین و رد نمایندگان دیگر نبود، اثبات و تأیید یک خط بود، یک خط حرکت بود. در واقع مردم در اینجا به طور روشن و واضح نشان دادند چه می‌خواهند و مشخصاً شعارهایی که در جمهوری اسلامی، شعارهایی که در انقلاب اسلامی داده می‌شد، آزادی استقلال جمهوری اسلامی، در آن موقع برای مردم روشن نبود که آزادی یعنی چی؟ آزادی در چه حدود است؟ ولی حالا بعد از ۲۰ سال تجربه عملی مردمی که در کشور ایستادند و مردمی که در داخل کشور ایستادند و در برابر شدائد و خفقاتها و سانسورها ایستادگی و مقاومت کردند و حرفهای خودشان را زدند، نرفتند خارج گود، نرفتند در ورای مرزها [تشویق مردم] در آنجا شعار بدهند، کسانی که [تشویق اکثریت حضار و هو کردن عده‌ای] در داخل کشور، در تحت شرایط سنگین خطیر و خطرآفرین ایستادند و حرف خودشان را زدند تا آنکه حوادث و جریانهای کشور به انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ منجر و از آن به بعد تحولی جهشی در جریان اجتماعی و سیاسی ایران پیدا شد.

مطبوعات آزاد و مستقل پیدا شدند. به یمن وجود این مطبوعات بینش مردم نسبت به آزادی و مدنیت و جامعه مدنی و جامعه سالم و صفا آبخور باز شد که در انتخابات دوره ششم خودشان را نشان دادند. در این انتخابات مردم به شیوه‌ای رفتار کردند که برای بسیاری از نخبگان سیاسی و محافل و گروهها و شخصیتهای سیاسی قابل پیش‌بینی نبود. در آن انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ نیز مردم چنین عمل کردند. با هوش و درایت خودشان. و آن این بود که برخلاف آنچه در ظاهر این جور تصور می‌شد یا در بسیاری از نظر سنجیها چنین وانمود می‌شد، چنین نتیجه گرفته می‌شد که مردم نسبت به انتخابات بی‌اعتنا هستند، بی تفاوت هستند، این جور بارز شده بود و علی‌رغم این به طوری که بسیاری از فعالین سیاسی از

جمله خود ما و دوستان ما واقعاً در شب انتخابات ۲۹ بهمن نگران بودیم که مبادا مردم در انتخابات کم شرکت کنند، زیرا واقعیتها و تجارب نشان داده بود که هر چقدر مردم کمتر در انتخابات شرکت کنند، پیروزی از آن جناح انحصار طلب و خشونت طلب می شود. این تجربه را خود مردم دریافته بودند. به این جهت ما نگران بودیم. ولی خوشبختانه از صبح روز انتخابات پای اولین صندوقی که مراجعه کردیم، دیدیم برخلاف انتظار جمعیت بسیار زیاد است. این کاری بود که ملت ایران خودش با درایت خودش کرد، یعنی قبلاً تظاهر نکرد، ولی بعداً عمل کرد [تشویق حضار] و این یک هنرمندی سیاسی بود که موفق شد پس از ۲۰ سال جناح انحصار طلب و خشونت گرای حاکمیت ما را به کنج انزوا براند.

آرای آنها چیزی بیشتر از ۱۵ درصد جمعیت نشد، بنابراین این یک پیروزی بود. بله، حالا من از این پیروزی این نتیجه را می خواهم بگیرم که برادران و خواهرانی که در خارج از کشور تشریف دارند، این یک شاهدهی است، این اتفاق شاهدهی است، سندی است بر مقاومت و ایستادگی مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت و حفظ فضای مدنی، مقاومت در چنین بستری کارآمدی داشته [است]. طی همین سه سال اخیر امتحان خودش را داده است. بنابراین وقتی چیزی به طور عینی و به طور تاریخی اثبات شد، دلیلی وجود ندارد که ما به راههایی غیر از آن متوسل بشویم. این راه پیشرفت خودش را کرده، توفیق و کارآمدی خودش را نشان داده [است]. بنابراین بنده تقاضایم از دوستان، برادران و خواهرانی که در خارج کشور زندگی می فرمایند، این است که به این حوادث و به حوادث و وقایع عینی تاریخی توجه کنند نه به ذهنیات و اعتقادات خودشان [تشویق حضار همراه با هو کردن عده ای]. این حادثه با ارقام و اعداد در طی دو انتخابات این روش کارآمدی و موفقیت خودش را نشان داده است. [تشویق حضار] [شعار برخی: مرگ بر جمهوری اسلامی]

سخنان حسن یوسفی اشکوری^۱

به نام خدا [هو کردن برخی] و با تشکر از همه دوستان و هموطنانی که در این دیار

۱. در زمان سخنرانی اشکوری بسیاری از حاضرین شعار می دادند و همه می کردند و فضای جلسه آمادگی لازم برای سخنرانی نداشت.

هستند [هو کردن با فریاد بلند برخی]. ما در داخل ایران قربانی خشونتیم و توقع ما این بود که در خارج از کشور کسانی که برای آزادی و دموکراسی و مردم‌سالاری مبارزه می‌کنند، به گونه دموکراتیک رفتار کنند [تشویق اکثریت و اعتراض برخی]. خیلی متشکرم. حداقل در اینجا ما شاهد این نوع برخوردهایی که در ایران پیوسته هر روز و هر هفته با آن مواجه هستیم، امیدوار بودیم که در اینجا مواجه نباشیم. [تشویق اکثریت و اعتراض برخی]

آنچه بنده در این مجال کوتاه می‌خواهم بگویم، این است که ایران هرگز بدین پایه آمادگی برای ورود به عرصه دموکراسی و بویژه آمادگی برای نهادینه کردن دموکراسی نداشته است. چرا که هرگز آگاهی و مطالبات دموکراتیک و اصلاح‌طلبانه، عزم عمومی، اجماع لازم حول محور آزادی و دموکراسی و استفاده از شیوه‌های مسالمت‌جویانه و معقول تا این اندازه در میان عامه مردم و مخصوصاً نخبگان فکری، سیاسی و فرهنگی قوی، نیرومند و عمیق نبوده است. توضیح مطلب آن است که برای ورود به مرحله دموکراسی و تحقق یک نظام حکومتی مردم‌سالار شرایط متعددی لازم است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: آگاهی لازم عمومی از مفاهیم و تحولات مدرن مانند جامعه، انسان، اختیار، آزادی، دموکراسی، حقوق فرد، دولت، ملت و امثال این‌گونه مفاهیم.

ایجاد گروه‌های اجتماعی و رشد نسبی شعور طبقاتی و صنفی و ملی، رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش طبقات شهرنشین، رفاه نسبی در اقشار محروم، در اقشار مردم، ظهور نخبگان فکری و روشنفکری و سیاسی به‌میزانی که بتوانند به‌هدایت فکری یا تشکیلاتی و سیاسی طبقات و گروه‌ها بپردازند. با این‌که هنوز این زمینه‌ها و عوامل کاملاً تحقق نیافته‌اند، بویژه از نظر توسعه اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی سخت عقب مانده‌ایم، اما بیش از هر زمانی این مقدمات فراهم شده است. در طول یکصد سال مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و عقب‌ماندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ناکامیهای بسیار امروز بیش از گذشته حداقل آزادی، دموکراسی و حقوق شهروندی اهمیت پیدا کرده است. در گذشته نه مردم و نه حتی روشنفکران و نخبگان سیاسی چندان به دموکراسی اهمیت نمی‌دادند و حداقل به شیوه‌های رسیدن به اصل دموکراسی بهای لازم را نمی‌دادند، اما اکنون این هر دو برای همه مهم شده است.

تجربه ۲۰ سال اخیر بر همگان ثابت کرده است که آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق شهروندی پیش شرط هر نوع تغییر و توسعه اجتماعی یا اقتصادی یا علمی و فرهنگی است. تحولاتی که از حدود چهار سال قبل در انتخابات مجلس پنجم آغاز شد، آثار این تحول مهم را بخوبی نشان می‌دهد. انتخابات ریاست جمهوری سه سال پیش و انتخابات شوراها و انتخابات مجلس اخیر نشان می‌دهد که مردم و نخبگان فکری، اجتماعی و سیاسی با هر گرایشی که دارند به‌حدی از آگاهی و درک ضرورت تاریخی رسیده‌اند که با تمام وجود خواهان آزادی و دموکراسی و عدالت می‌باشند و بویژه همگان به این نتیجه رسیده‌اند که راه حذف و راه خشونت و استبداد در هر شکلی حتی زیر پوشش دین و یا انقلابی‌گری و یا شب‌نمایی را نفی می‌کند [تشویق حضار] و خواستار تحول اساسی و ساختاری [تشویق حضار] در تمام عرصه‌ها از طریق مسالمت و شیوه‌های دموکراتیک می‌باشند. نکته مهم آن است که اکنون دولت آقای خاتمی صادقانه حامی اصلاحات است و می‌خواهد تا حد توان و امکانات و ظرفیت محدود موجود به نهادینه شدن آزادی و قانون و دموکراسی یاری رساند و البته کوششهای قابل توجهی نیز در این مورد صورت داده است. اما چیزی که جای امیدواری هست، این است که اکنون مطالبات مردمی به‌حدی جدی و گسترده است که هیچ مانعی نمی‌تواند از پیشرفت آن جلوگیری کند. حتی اگر آقای خاتمی [تشویق برخی] به هر دلیل در کار خود شکست بخورد، قطعاً راه ادامه خواهد داشت [تشویق حضار]، چرا که این بار هم دموکراسی از اولویت اول برخوردار است و هم یک اجماع بزرگی در میان روشنفکران و نخبگان مختلف فکری و سیاسی در ایران در این مورد وجود دارد که بی‌سابقه است؛ اما این سخن به این معنا نیست که پس از انتخابات و پیروزی اصلاح‌طلبان مشکلات و موانع برطرف شده است، جناح محافظه کار و پاسداران استبداد باز هم قطعاً کارشکنی خواهند کرد و باز هم دست به انواع توطئه‌ها خواهند زد. اما به گمان من عمر تاریخی تمامی استبدادگران در ایران برای همیشه به سر آمده است [تشویق شدید حضار] و دیگر [ادامه تشویق] اشکال استبداد و خشونت در میان مردم اعتباری ندارد و لذا تلاشهای آنان عمده‌تاً می‌تواند ایضایی باشد و اتفاقاً تا این حد کوشش و تلاش برای کارشکنی در راه اصلاحات، برای تعمیق دموکراسی و آموزش عمومی مفید خواهد بود.

به هر حال به گمان بنده چشم انداز آینده ملت ایران روشن است و چیزی که بیش از هر چیز مایه امیدواری هست، این است که این بار دموکراسی به صورت تدریجی و در متن یک کنش گسترده ملی و مردمی به پیش می‌رود. گفته‌اند در تحولات اجتماعی نباید به کوتاه‌ترین راه اندیشید، بلکه مطمئن‌ترین راه مطلوب است، ولو دراز و طولانی و سخت باشد [تشویق حضار]. در هیچ کجای دنیا نیز دموکراسی یک شبه و بدون آموزش مردم و آگاهی توده‌ها و امرانه محقق نشده است. تا زمانی که آگاهی مردم در این مورد به حد کافی نرسد و زمینه‌ها فراهم نیاید و دموکراسی به صورت یک خواست عمیق و عمومی مطرح نشود، هیچ حادثه مهمی روی نمی‌دهد و نیز تا زمانی که نهادهای مدنی پدید نیاید، دموکراسی پایدار نمی‌ماند. اما بجز توطئه‌های محافظه کاران نگرانی‌هایی جدی نیز درباره آینده اصلاحات وجود دارد، یکی از این نگرانی‌ها اختلاف و یابی برنامه‌گی اصلاح طلبان در دولت و مجلس آینده است. دیگر تفرقه احتمالی در میان جناح اصلاح طلبان است که ممکن است عمیق‌تر شود یا عمیق شود.

سوم این که گروهی از داعیه‌داران اصلاحات در جبهه دوم خرداد ممکن است به دلایلی چون عدم اعتقاد لازم به آزادی و دموکراسی و یا سطحی دیدن مطالبات مردمی و یا حفظ منافع طبقاتی و یا جناحی محافظه کاری‌های سیاسی و یا مذهبی مردم را رها کنند و دموکراسی را در پای منافع جناحی خود قربانی کنند. نگرانی دیگر کارشکنی اپوزیسیون فرصت طلب است و اپوزیسیون غیر دموکراتیک [تشویق حضار] که ممکن است حاضر شوند دموکراسی را در پای خواسته‌های گروهی یا ایدئولوژیک از مصادفاده و یا از رده خارج شده قربانی کند [تشویق اکثریت و هو کردن برخی].

به هر حال [ادامه تشویق] راه دشوار دموکراسی ادامه خواهد داشت و مردم با یاری رهبران فکری و سیاسی صادق و وفادار خود بویژه نویسندگان شجاع و ارباب مطبوعات توانمند در ایران - که هرگز مطبوعات تا این اندازه در ایران توانا و آگاهی بخش نبوده - تا آخرین مرحله دموکراسی و مردم سالاری به پیش خواهند رفت. پس به یاری مردم برخیزیم و به یاری هم برخیزیم [تشویق شدید حضار] [شعار گروهی: مرگ بر جمهوری اسلامی]

سخنان کاظم کردوانی

[تشویق حضار] خوب، قبل از هر چیز من سلام عرض می‌کنم خدمت تمامی دوستانی که در اینجا هستند و من خیلی خوشبختم که بعد از سالها در واقع باز به برلین برگشتم. چون یک‌زمانی هم جزء جنبش اپوزیسیون ایران در زمان شاه، جزء فعالین جنبش دانشجویی کنفدراسیون بودم. الآن هم همان حال و هوا را در بعضی جاها می‌بینم و در نتیجه برایم زیاد تعجب‌آور نیست [اشاره به هیاهو و سرو صدای کاملاً غیر عادی برخی از معترضین به کنفرانس که در سالن کنفرانس حضور داشتند] [خنده سخنران همراه با تشویق حضار].

انتخابات مجلس ششم در یکی از حادث‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین لحظه‌های تاریخ معاصر ما برگزار شده [است]. جنبش اصلاح‌طلبانه امروز مردم ایران چه از منظر دامنه و گستردگی اش و چه از منظر محتوا و چالش‌های درونی اش در تاریخ ایران [کشور] بی‌نظیر است. این جنبش را باید در چهار پارامتر جستجو کرد:

۱. بستر تاریخی جنبش سیاسی دوران معاصر ایران در صد سال اخیر

۲. مدرنیزاسیون صدساله ایران

۳. تغییرات شگرف و بنیادی ساختاری در جامعه ایران در بیست سال اخیر

۴. حرکت جریان روشنفکری ایران اعم از لائیک، دینی

انتخابات مجلس ششم و نتیجه آن آینه تمام‌نمای تمایلات، تناقضها، پیچیدگیها، نارساییها، نقاط قوت و چالش‌های جدی درونی جنبش اصلاح‌طلبانه ایران در وضعیت فعلی است. انتخابات مجلس ششم به رغم کنار گذاشته شدن بخش عظیمی از نیروهای اجتماعی، اصلاح و تحول دو چیز را نشان داد:

۱. مردم ایران آشکارا نوع شیوه حکومتی بیست‌ساله‌ای که تا به امروز انجام شده

[را] از خود [خوب] نمی‌داند و آن را بر نمی‌تابد. [تشویق حضار]

۲. آشکارا طرفدار آزادی و تحول اساسی و ساختاری در شیوه حکومتند.

[تشویق حضار]

اگر بخواهیم با حرکت از انتخابات مجلس ششم به چشم‌انداز ایران نگاه بکنیم، حقیقت این [است] که این جنبش پیش از انتخابات دوران هفتم ریاست جمهوری

شروع شده و آقای خاتمی در واقع این جنبش را به وجود نیاورده، بلکه در واقع ایشان معلول جنبشی بوده که پیش از این در ایران وجود داشته [است] [تشویق حضار] و این انتخابات و این جنبش قدم به قدم تمام مهر خودش را ب کل سیمای جامعه ما زده و این جنبش باید دقیق گفت که بسیار فراتر از توان و قابلیت چهره‌های شاخص ملی، نهادهای رسمی و نیمه‌رسمی ایران است. [تشویق حضار]

سؤالی که مطرح [است]، این است که خوب آینده چه خواهد شد؟ این نه برای شما، برای تک‌تک ما در واقع مایی که در متن جامعه زندگی می‌کنیم و به اندازه توان خودمان و امکاناتمان و قابلیت‌هایمان سهمی در این جنبش داریم، برای خود ما هم روشن نیست. چیزی که در واقع برای ما اساس [می‌باشد]، این روند دمکراتیزاسیونی است که در جامعه دارد اتفاق می‌افتد. این مهمترین مسأله‌ای است که در جنبش مردم این روند دمکراتیزاسیون دارد انجام [می‌گیرد]. در مورد آینده این جنبش، من از یک باید‌ها و نباید‌ها صحبت می‌کنم، اماها و اگرهایی می‌گویم، این را باید حکم تعبیر نفرمایید، بلکه فرضیه‌ها و راهبردهایی است که در حقیقت عرضه می‌کنم. جنبش ایران از یک طرف از سوی نیروهای استبدادی و مخالف آزادی شدیداً تهدید می‌شود. من تصورم این است که در خارج واقعاً آن‌گونه که باید لمس بشود، این خطر نیروهای ارتجاعی و واپس‌گرا حس نمی‌شود. [تشویق] تصورم این است. و از سوی دیگر مشکلات درونی که در درون خود جنبش اصلاح‌طلبی و بویژه اصلاح‌طلبان درون حاکمیت وجود دارد، اگر اصلاح‌طلبان امروز نتوانند واقعیت حرکت مردم را درک بکنند، نبضش را در واقع پیدا بکنند و تأکید می‌کنم، اگر نتوانند یک پروژه سیاسی برای شرایط فعلی ارائه بکنند، پروژه سیاسی‌ای که در قواره این حرکت رو به رشد است، بی‌شک اگر این کار را اصلاح‌طلبان نکنند و بی‌شک ما یک بار دیگر دوباره آن چرخه تاریخی مان می‌شویم یعنی چرخه استبداد، انقلاب و یا جامعه و حکومت در واقع از درون پوسیده خواهد شد. نظر بنده این است که ما در سه حوزه اگر بتوانیم در آینده فعالیت بکنیم و جنبش اصلاح‌طلبی در این سه حوزه حرکت بکند، به یک جای قابل اعتنا در این حرکت خواهیم رسید.

حوزه اول حوزه روشنفکری ایرانی است. در ایران امروز ما جریانهای مختلف روشنفکری و روشنگری اعم از مطبوعات، اعم از لائیکها، اعم از روشنفکران

دینی، اینها نقش اساسی و کلیدی در تحول جامعه ایران دارند. اما این جنبش به رغم تمام صلاحیتها و اعتباراتی که دارد از تناقضها و اشکالات ساختاری گاه مهمی برخوردار است که در واقع به این باید توجه [نموده] و رفع بکند. وظیفه امروز روشنفکری ایران در این جنبش به پرسش گرفتن سنت خودش، نهادینه کردن نقد و گسترش آن در حوزه عمومی و رواج دادن خرد به عنوان شالوده نظام فکری جامعه است. خطری که امروز بخشی از جریان روشنفکری را تهدید می کند، طرفداری از نوعی دموکراسی نخبه گرایانه است که در واقع به دموکراسی نخبه گرایان یعنی خود آنها منجر می شود. همچنین پیروی از تفکر ضد دموکراتیک خودی و غیر خودی. در واقع این یکی از مشکلاتی است که در بخشی از این جنبش اصلاح طلبی وجود دارد. ولی یک نکته بسیار مهمی که من فکر می کنم باز هم در این مورد در خارج از کشور شاید حساسیت وجود نداشته باشد، همکاری و همیاری به رغم تمام اشکالاتی که وجود دارد، بین روشنفکران لائیک و روشنفکران دینی در ایران است و در تاریخ ایران [اعتراض برخی] - حتی در دوران مشروطیت که این همکاری به نوعی وجود داشت - چنین وضعیتی را ما نمی بینیم و این را باید جداً دوستان ما در خارج به عنوان کسی که سالها در این جنبش بوده دقت بکنند.

در موضع دوم مسأله دولت است. دیوانسالاری ما یک دیوانسالاری کهنه و ناکارآمد است که یک سابقه صدساله [دارد]. من بدون این که بخواهم مشکلات آقای خاتمی را و این که اصولاً در قانون اساسی ما اختیارات چندانی را ندارد، کتمان بکنم، حقیقت این است که دولت اگر به عنوان یک دولت اصلاح طلب می خواهد عمل بکند، علاوه بر چاره یابی برای معضلات اقتصادی، باید به طور جدی در ساختار اداری و مدیریتی کشور یک بازسازی واقعی انجام بدهد و به طور جدی از جنبش اصلاحات دفاع بکند. حوزه سوم مجلس است. حقیقت این است که در ایران امروز، دوره مشارکت پوپولیستی شناور و فاقد سازمان که در جهت تحکیم و تأیید یک حکومت و بنا به خواست رهبران سیاسی انجام می شده، دیگر این دوران به سر آمده و ناکارآمدی شان را مردم در حرکت خودشان نشان دادند.

امروز مشارکت مردم تنها و تنها در جهت توسعه سیاسی و آزادیخواهانه مفهوم پیدا می کند. از همین رو اگر مجلس بتواند در راه تحقق به وجود آمدن نهادهای مدنی

و سیاسی به شکل مختلف در غالب حزب و سازمانها اراده جلدی نشان بدهد و مهمترین وظیفه خودش - دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی ایران - را انجام بدهد، می شود در واقع امیدوار بود که راه برای معقول کردن روابط ما با کشورهای جهان و گشایش اقتصادی و بیرون رفتن از بحران وجود دارد. من با این جمله تمام می کنم: ما بخوبی آگاه هستیم که در جامعه دوران گذار ما یعنی دوران ورود از سنت به مدرنیته، بحران بخش تفکیک ناپذیر جامعه ما است، بخصوص زمانی که کلیه قشرها و طبقات اجتماعی به نوعی فعال در این دوران گذار درگیر شده اند و لایه های سنتی جامعه در هرم قدرت جایگاه ویژه ای دارند. و همچنین ما می دانیم تا رسیدن به ساختار دموکراتیک هنوز خیلی فاصله داریم؛ اما برای ما مهم روند دموکراتیزاسیونی است که امروز در جامعه ما با فراز و نشیبهای فراوان و مخاطرات فراوان رو به گسترش است و در تمام مجادلات فکری امروز «تمام کوشش ما روشن کردن مختصات این روند دموکراتیزاسیون است». ممنونم [تشویق حضار - شعار افرادی: تمدن، تمدن، تمدن]

سخنان اکبر گنجی

[تشویق اکثریت حضار] با سلام به کلیه ایرانیان خارج کشور و به امید بازگشت شرافتمندانه کلیه ایرانیان به ایران عزیز. [تشویق حضار]

دموکراسی محصول انسانهای دموکرات است و بدون آدمیان دموکرات ایجاد دموکراسی محال است. دموکراسی متکی به آدمیان عقلانی است. کسانی که حاضر نیستند صدای مخالفان خود را بشنوند و کسانی که حاضر به گفت و گو نیستند، آنها دموکرات نیستند. [اشاره به همه و سر و صدای عده ای از مخالفان برگزاری کنفرانس که در سالن حضور داشتند] دموکرات به فردی اطلاق می شود که اهداف و آرمانهای خود را به شیوه عقلایی و با استدلال و منطق دفاع می کند. [اعتراض گروهی] کسانی که از این فرایند بیرون باشند، بیهوده شعار دموکراسی سر می دهند. [تشویق و اعتراض برخی] رژیمها و نظامهای سیاسی به دو دسته تقسیم می شوند: رژیمهای اصلاح پذیر و رژیمهای اصلاح ناپذیر.

رژیمهای اصلاح ناپذیر رژیمهایی هستند که فقط و فقط با انقلاب و براندازی

می‌توان آنها را تغییر داد. اما رژیم‌های اصلاح‌پذیر رژیم‌هایی هستند که به شیوه‌های دموکراتیک، مسالمت‌آمیز و از طریق انتخابات تغییر می‌کنند. تاریخ بشریت نشان داده است که به شیوه‌های انقلابی نمی‌توان دموکراسی ایجاد کرد و انقلابها و انقلابیون قاصر از ایجاد حکومت‌های دموکرات هستند. [تشویق حضار] رژیم‌های اصلاح‌پذیر دو سر یک طیف بزرگ را تشکیل می‌دهند. در یک سر طیف رژیم‌هایی قرار دارند که حداکثر اصلاحات را مجاز می‌شناسند و در سر دیگر طیف رژیم‌هایی قرار دارند که حداقل اصلاحات را مجاز می‌شمارند. [مهمه برخی] نظام اصلاح‌پذیر دموکراتیک به نظامی اطلاق می‌شود که به طور مستمر از طریق انتخابات حاکمان آن با رأی مستقیم مردم تغییر می‌کنند. [سر و صدای برخی] در این گونه رژیم‌ها آزادی گفتار، بیان، عقیده و رفتار به رسمیت شناخته می‌شود. فرایند دموکراتیک محصول فرهنگ دموکراتیک است. کسانی که هیچ بسویی از فرهنگ دموکراتیک نبرده‌اند، نمی‌توانند شعار دموکراسی سر دهند. [اعتراض برخی همراه با تشویق برخی دیگر] این فرایند متکی به رعایت قواعد دموکراتیک است. [فحاشی گروهی] خشونت روشی است که محصولی بجز خشونت به بار نخواهد آورد و درخت مرداب متعفن خشونت میوه‌هایی بجز خشونت و تروریسم به دنبال نخواهد داشت. [اعتراض برخی و تشویق اکثریت]

آزادی عرصه سیاست، همچون عرصه اقتصاد است، [فحاشی تعدادی از حضار] همان گونه که بازار اقتصاد بدون رقابت و بدون حضور رقا به کار خود نمی‌تواند ادامه بدهد، بازار سیاست متکی به رقابت تمام عیار گروه‌ها و احزاب مختلف است. [مهمه] آزادی برای همگان مطلوب نیست. تنها کسانی آزادی را می‌پسندند که کالایی برای عرضه در بازار سیاست داشته باشند. [تشویق و اعتراض برخی] آنها که هیچ کالایی برای عرضه در بازار آزاد سیاست ندارند، با آزادی مخالفند و اجازه سخن گفتن به مخالفان خود را نمی‌دهند. [تشویق اکثریت و اعتراض برخی] درباره نظام جمهوری اسلامی [فردی: مرگ بر جمهوری اسلامی] دو قضاوت وجود دارد:

کسانی که این رژیم را ذاتاً یک رژیم اصلاح‌ناپذیر می‌دانند و به دنبال آنند که با تروریسم این رژیم را براندازند. اما به گمان من رژیم جمهوری اسلامی ایران،

رژیمی اصلاح‌پذیر است و شاهد مدعای من [هو کردن تعدادی از حضار] انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، انتخابات شوراهای در سال ۱۳۷۷ و انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ می‌باشد. علاوه بر اینها حضور مطبوعات متنوع، نشر کتاب، بهبود وضعیت حقوق بشر، تحمل مخالفان و فعالیتهایشان برخی از دیگر شواهدی است که نشانگر اصلاحات در ایران است. جنبش اصلاحات ایران و جنبش جامعه مدنی ایران با دو خطر روبرو است. یکی گروه‌های محافظه‌کار داخلی و دیگری اپوزیسیون خثونت‌طلب خارج از کشور [است]. [هو کردن مخالفان و تشویق برخی دیگر] این جنبش محافظه‌کاران داخل کشور به دلیل از دست دادن قدرت، نگران از دست دادن قدرت بادآورده و ثروت بادآورده هستند. لذا در مقابل فرایند مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون مقاومت کرده و مقاومت آنها به صورت جنبشهای نئوفاشیستی هست که کاری جز ترور ندارد. همزمان با تروریسم داخلی، تروریسم خارجی به حمایت از تروریستهای داخلی برمی‌خیزد و هرگاه شاهد ترور و قتل‌های زنجیره‌ای در داخل هستیم، همزمان خمپاره‌های خارجی به طرف دموکراسی ایران شلیک می‌شود. [تشویق شدید حضار] دموکراسی هیچ‌گاه با شلیک خمپاره ایجاد نخواهد شد. به آنها که خمپاره به سوی ملت خود شلیک می‌کنند، چیزی جز رژیم توتالیتاریسم برقرار نخواهند کرد. [تشویق حضار]

مهمترین حادثه پس از انتخابات مجلس ششم به گمان من ترور سعید حجاریان است. [اعتراض برخی و هو کردن آنها] ترور سعید حجاریان پس از انتخابات مجلس ششم یک علامت بود، علامتی که کسانی نشان دادند مغز اصلاحات ایران را نشانه گرفته‌اند و می‌خواهند بگویند منتظر این نخواهند نشست که به طریق انتخابات دموکراتیک از عرصه سیاست حذف شوند. عرصه سیاست ایران اکنون عرصه‌ای بسیار متنوع و متکثر است که گروه‌های مختلف در آن حضور دارند. آنچه لازم است ما بدانیم و به آن اعتقاد داشته باشیم، آن است که دموکراسی روشی است معین برای رسیدن به نتایجی نامعین از قبل، و پیشاپیش معین نیست که به روشهای دموکراتیک چه حزب و گروهی بر صدر می‌نشیند و چه حزب و گروهی از قدرت برکنار می‌شود. آنچه برای ما مهم است، قبول قواعد دموکراتیک است. قواعد

دمکراتیک به ما می گوید به طریق نوبه ای قدرت را به احزاب مختلف بسپاریم و در مدت معین مردم مجاز باشند درباره حکومت و حاکمان داوری کنند.

در واقع انتخابات روز قیامت و روز داوری درباره حاکمان است. اگر کسانی بخواهند به روشهایی غیر از گفت و گو و رایزنی جمعی به اهداف خود دست بیابند، به راه بیهوده ای می روند که هیچ گاه به دمکراسی هم دست نخواهند یافت. [همه] در داخل کشور و در خارج کشور آنها که به خشونت پناه می برند، به گفته روانشناسان اجتماعی ناکامی خود را جبران می کنند، [همه] ناکامانی که به آرمانهای خود دست نیافته اند. [همه] آرمانهای کسانی که به عصر سپری شده تعلق دارند، عصر تروریسم، عصر خشونت، اینک می خواهند به زور خود را به مردم تحمیل کنند. دوران خشونت و تروریسم گذشته است و هیچ کس دیگر نخواهد توانست با زور و فشنگ و اسلحه و خمپاره بر ایران حکومت کند. [تشویق حضار] ناکامان سیاسی ابتدا تصویری وارونه یعنی ایدئولوژیک از واقعیت برای خود می سازند و سپس با آن اوهام خود ساخته به مبارزه بر می خیزند. ایران امروز فراتر از اوهام آنهاست. ایران امروز به اصلاح طلبان، به دمکراتها، به آزادیخواهان تعلق دارد. ایران امروز به همه ایرانیان تعلق دارد. [تشویق حضار] هر کس که عقلانیت، منطق، گفت و گو و رایزنی جمعی را بپذیرد، جای اصلی او ایران است. بیایید دست در دست هم، همگی با بازگشت شرافتمندانه به ایران، ایران را آن گونه که خود می پسندیم، بسازیم. والسلام. [تشویق شدید حضار و مخالفت برخی - شعارهای مخالفان نامفهوم و درگیری حاضرین با یکدیگر] [سخنان مجری به زبان آلمانی]

پرسش و پاسخ

آقای گنجی: اگر دوستان خواستار پاسخ به پرسشهای خودشان هستند، می توانند هر پرسشی دارند آزادانه مطرح کنند، ما تا صبح در خدمت شما هستیم، به همه پرسشهایتان جواب می دهیم. [تشویق حضار] هر پرسشی که شما داشته باشید، ما به صراحت پاسخ می دهیم، ولی آنهایی که شلوغ می کنند، دنبال پاسخ گیری از سخنران نیستند. آنها فقط آمده اند که مراسم را به هم بزنند. [تشویق حضار و اعتراض برخی]

[سخنان مجری به زبان آلمانی] [درگیری زبانی حضار با یکدیگر و رد و بدل کردن فحش و ناسزا]

[سخنان مجری به زبان آلمانی] [تشویق برخی]

سوال کننده: آقای سحابی! این چند میلیونی که از ایران آمدند، نه کمتر از شما مقاوم بودند، نه کمتر از حزب شما و دوستان شما مقاوم بودند، برعکس شما ۲۱ سال نخواستند با رژیم جمهوری اسلامی ایران دل بدهند و قلوب بگیرند و سازش بکنند. اینها به خاطر عقایدشان، به خاطر مواضع سیاسی شان از کشور خارج شده اند و بعد شما می خواهید که [همهمه و تشویق برخی] [آنها را که در ایران ماندند و این جمله آخر... آقای گنجی! اولین چیزی که برای [کسی مثل] تو که می خواهد با گذشته خودش چیز بکند، معتقدند شما در بخش اطلاعات سپاه پاسداران بودید و معلوم نیست چه کارهایی کردید، [هو کردن و دست زدن برخی] اولین کار شما معذرت خواهی به خاطر جنایتها و به خاطر بیست سال همراهی شما با رژیم جنایت بوده تا بعد بقیه حرفهای شما شنیده بشود. [دست زدن تعدادی و دادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی - چند بار]

سوال کننده: من ترجیح می دهم فارسی صحبت بکنم. بگذار بتوانم حرف دلم را خوب بگویم. اولاً این تریبونی که اینجا صورت گرفته پانلی که اینجا هست، اصلاً آزاد نیست، به خاطر این که مخالفین سیاسی این رژیم آنجا حضور ندارند، [تشویق چند نفر] جاندارند، میز ندارند، صندلی ندارند. دوم این که در همین سالن الآن دارد «گِواد» به کار گرفته می شود. یکی از دوستانمان را گرفتند [فردی زدند] همان گوالتی که در ایران علیه آزادیخواهان و مخالفین رژیم جمهوری اسلامی روزانه جاری [است] و تا حال صدها هزار نفر را اعدام کردند. [براو، براو، تشویق چند نفر] اجازه بدهید، سیاستی که امروز این آقایان با هر نیتی دارند دنبال می کنند، چه طرفداران جمهوری اسلامی، چه طرفداران خاتمی و خاتمی ها با هر نیتی که دارند، دارند آب به آسیاب ارتجاع [بارک الله] جمهوری اسلامی می ریزند، کمک می کنند به بقا و ماندن ارتجاع و حاکمیت اسلام و خدا و قرآن و جنایت اینها. [تشویق برخی] اینها از یک چیزی دارند می ترسند، روند اصلی مبارزات در ایران اصلاح طلبی نیست، رفورم نیست. دوستان، روند اصلی در جامعه ایران و روندی که جاری است

و انتهایش سرنگونی جمهوری اسلامی است، روند مبارزات مردم، کارگران و آزادیخواهان برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

مجری جلسه: دوست عزیز وقت شما تمام شد.

سوال کننده: اجازه بدهید آخرین نکته تمام [نامفهوم] تمام این اقدامات، تمام این سیاستها، حمایت دولت آلمان از خاتمی، از رفورمیسم، تمام فقط به خاطر این است که جلوی سیل را بگیرند، سیل آمده، مردم نشان دادند... به تمام سران جمهوری اسلامی و طرفداران دمکراسی نشان دادند. [مجری: جملات را تمام کن دوست عزیز] نامفهوم [دوست محترم جملات را تمام کن] [تشویق چند نفر]

سوال کننده: من می خواهم، اول یک مسأله [را بگویم]، آقای بهمن نیرومند برگزارکننده است. این آقای بهمن نیرومند امروز آنچنان دست می زد، آدمی بود که چند سال پیش برای شورای ملی مقاومت همچنان دست می زد. [همه به بعضی از افراد] در اپورتونیسمش هیچ شکی دیگر نیست. یعنی امروز شناختم که در اپورتونیسمش زمانی که مجاهدین امکان به قدرت رسیدن داشتند، همچنان در شورای ملی مقاومت بود. امروزه دلش را خوش کرده به طرفداری جناح خاتمی. اپورتونیست خالص.

در مورد نماینده های اینجا من می خواهم ببینم خانمها، آقایان، آنهایی که دعوت کردید مگر در ایران فقط مسلمانها هستند، نماینده بهاییها اینجا کجاست؟ آقای گنجی! آیا شما طرفدار این هستید که بهاییها در ایران آزاد بشوند؟ این آقای که من اسمش را نمی دانم، آیا آزادی بهاییها را قبول دارند یا نه؟ نماینده زن ارمنی آنجا کجاست که به زور چادر سرش کردید؟ نماینده زن آشوری کجاست؟ نماینده زنهای کرد کجا هستند؟ [تشویق و همه] و نماینده زنهای لائیک کجایند؟ خانم مهرانگیز کار شماروسی سر دارید، لائیک نیستید، لائیک باروسی معنی ندارد. [مجری: بسیار خوب] آقای گنجی، آدمی که در اینجا طرفدار دمکراسی هست، وقتی آلمان تغییر کرد تمام آن آدمهایی که [با حزب نازی] کار می کردند، از سر کارشان [برکنار] شدند، بخشی از آنها هم در دادگاههای اینجا، امروز [زندانی شدند]. شما در سالهای دراز با رژیم جمهوری اسلامی کار کردید، پاسدار بودید، من نمی دانم چقدر جنایت کردید، [فردی: آدم کشته] اول بروید دادگاه جواب بدهید، بعد اینجا بیایید [کف زدن و سرو صدای بعضی از افراد]

سؤال‌کننده: من می‌خواهم یک چیز دیگری بگویم، غیر از این حرفهایی که تا حال شما از طرف مردم در اینجا شنیدید. اکثریت ایرانیانی که در خارج از کشور هستند، طرفدار [این] هستند که روند اصلاحات در ایران پیش برود. جامعه آرامش به خودش بگیرد. [تشویق حضار] ما بتوانیم با همدیگر گفت‌وگو کنیم، مسأله مذهبی و غیر مذهبی اصلاً نیست، ما همه‌مان مردم یک مملکت هستیم. من به شجاعت - اجازه بدهید من حرفم را بزنم [اعتراض برخی] یک ساعت ما حرف شما را گوش دادیم - آقای گنجی و آقای یوسفی اشکوری [آفرین می‌گویم]، با این که خودم را لائیک می‌دانم، ولی خودم را به شما نزدیکتر احساس می‌کنم تا به بسیاری از ایرانیان لائیک خارج از کشور که با دموکراسی هیچ موافقتی ندارند، ولی می‌خواهند که روند دموکراسی در ایران را از بین ببرند. ما به شما احساس نزدیکی می‌کنیم. ما برای شجاعت شما آفرین می‌گوییم. گذشته شما با این اعمالی که انجام دادید و ما فکر می‌کنیم - آن‌روزی که آقای حجاریان را در ایران ترور کردند، بسیاری از ایرانیهای خارج از کشور ناراحت بودند و خود من شخصاً ناراحت بودم و این‌طور نیست که شما فکر بکنید با شانتاژ یک‌عده از میدان بدر برویم - ما یک ملت قدیمی متعذر هستیم و امروز می‌بایستی در مقابل آلمانها تمدن از خودمان نشان می‌دادیم. [تشویق اکثریت و اعتراض برخی] ما قدیمی‌تر از این آلمانها هستیم، ولی امروز هیچ‌گونه تمدنی از خودمان نشان ندادیم. [تشویق شدید حضار] آنچه ما امروز نشان دادیم، یک گوشه‌ای از بربریت است و این اصلاً درست نیست. [مجری: دوست محترم صحبتتان را ختم کنید] بله، من فقط می‌خواستم بگویم اکثریت مردم نه فقط در ایران بلکه در خارج از کشور به روند اصلاحات متکی هستند و مسأله اصلاً مذهبی و غیر مذهبی نیست. [مجری: دوست محترم قطع کنید، خواهش می‌کنم] بله، فقط آزادی [است]. [تشویق حضار]

سؤال‌کننده: من می‌خواستم چندتا سؤال خدمت شرکت‌کنندگان در این سخنرانی مطرح کنم. امیدوارم به‌سؤالات پاسخ داده بشود. از آقای سحابی می‌خواستم این سؤال را بکنم که آقای سحابی با توجه به این که وزارت اطلاعات و امنیت رژیم - البته چون الآن تلویزیون جام جم جمهوری اسلامی هم اینجا هست نمی‌دانم بتوانید جواب بدهید یا نه، ولی به هر حال من سؤالهای خودم را می‌کنم - نهضت

آزادی و حزب ملت ایران را در اطلاعیه خودش غیر قانونی دانسته و بعد از این که وزارت اطلاعات و مأمورین وزارت اطلاعات آقای فروهر و خانمشان - پروانه فروهر - را آن طور با چاقو سلاخی کردند، حتی آقای خسرو سیف اینها را گرفته و عملاً حزب ملت ایران را غیر قانونی اعلام می کند، شما در این رابطه چه نظری دارید و چه موضعی گرفته اید؟ همچنین در رابطه با این توسعه کشور و خصوصی سازی شدیدی که مجلس رژیم، مجلس پنجم دست به آن زده و می توانم بگویم به تاراج کشور پرداخته، شما نظرتان چیست؟ و آیا این توسعه موجب فقر و فلاکت بیشتر برای جامعه نخواهد شد؟

از آقای اشکوری من سؤال دارم، با توجه به این که تمامی اپوزیسیون در خارج از کشور، تمامی این دوستانی که در اینجا هستند، موافق جدایی دین از دولت هستند و با توجه به این که چنین خواستی در جمهوری اسلامی موجب مجازات هست، شما نظرتان به عنوان یک روحانی چیست؟ و آیا شما فکر می کنید باز هم باید ترکیب دین و دولت داشته باشیم یا این که بالاخره روحانیون به مسجدها برخواهند گشت؟ [تشویق حضار]

در رابطه با ولایت فقیه، دوستان و همچنین تمام کسانی که در مجلس ششم انتخاب شدند، خودشان یا التزام خودشان و اعتقاد خودشان را به ولایت فقیه (نمی دانم) و برخی به ولایت مطلقه فقیه اعلام داشتند، می خواستم از آقای اشکوری بپرسم آیا شما موافق آزادی بنیانگذاری تئوری ولایت فقیه یعنی آیت الله منتظری هستید و نظرتان چیست؟ ... کلاً این تئوری را شما چطوری می بینید و چگونه می توانید آن گونه که روحانیون مشهور هستند، آن را توجیه کنید؟

از آقای کاظم کردوانی - ببخشید لهجه آلمانی گفتم - می خواهم بپرسم خطر مرگی که اکنون جان نویسندگان را تهدید می کند، چیست؟ و مآله قتلهای زنجیره ای بخصوص قتل آقای مختاری و پوینده به کجا رسیده [است؟] [و آنرا] چگونه می بینید و از نظر شما خواست مردم در پیگیری این و شناسایی عاملین و آمرین این قتلها چگونه باید به اجرا در بیاید؟ و همچنین امروز شما خودتان خط قرمز صحبتها را کجا تعیین کردید و برای شما [کجا] تعیین می کنند؟

و از آقای گنجی می خواستم این سؤال را بکنم که آقای اکبر گنجی، ما تا صبح نه

تا صد سال آینده حاضریم بحث کنیم، نه از امروز از صد سال گذشته حاضریم بحث کنیم. [تشویق حضار] ۳۴ نفر را از دوستان خود من اعدام کردند، به خاطر این که می خواستند بحث کنند، فقط به خاطر بحث. [تشویق حضار] آن موقعی که شما در سپاه بودید، ما برای این آمدیم خارج که داشتند پشت سر ما تیراندازی می کردند، به من، دوستان من، نه من صدها نفر، هزاران نفر داشتند تیراندازی می کردند و اینها فرار کردند آمدند خارج. [تشویق حضار] ولی ما همیشه برای بحث آماده ایم. ولی من به شما یک پیشنهاد می کنم. شما اول برای آزادی آقای منتظری در داخل کشور مبارزه کنید. آقای منتظری هم در داخل کشور هست، [تشویق حضار] شما برای منتظری مبارزه کنید. اگر معتقد به دموکراسی هستید، آقای منتظری نه خمپاره زد، نه سلاح برداشت، آقای منتظری هیچ کاری نکرد. [مجری: دوست سوالهایتان را تمام بکنید] از خانم مهرانگیز کار [مجری: می دانم ۲ دقیقه گذشت، ۳ دقیقه هم شد] خانم مهرانگیز کار [مجری: جمله تان را تمام کنید] می خواستم از شما دو سوال کنم. یکی این که سرکوب جنبش زنان در داخل کشور چه تأثیری در رفتار اجتماعی زنان گذاشته [است]؟ دوم این که کار پرونده قتل خانم پروانه فروهر به دست وزارت اطلاعات، مأمورین وزارت اطلاعات به کجا رسیده [است]؟ از شما متشکرم [تشویق حضار]. [سخنان مجری به زبان آلمانی]

مجری: آقای گنجی شما صحبت کنید.

پاسخ اکبر گنجی

خیلی ممنون. من تشکر می کنم. فکر می کنم این شیوه ای که دوستان الآن پرسشهای خودشان را مطرح کردند، خیلی شیوه خوبی است و امیدوارم من هم بتوانم پاسخ پرسشها را بدهم. ما صحبت های دوستان را شنیدیم. من هم از دوستان خواهش می کنم که متقابلاً صحبت های ما را گوش کنند. قرار نیست که سوال بکنید بعد موقع جواب دادن نگذارید من جواب بدهم. پس اگر سوالها را من باید جواب بدهم، خواهش من این است که بگذارید به پرسشهای شما جواب بدهم.

این که بنده در وزارت اطلاعات بودم یا در اطلاعات سپاه بودم یا آدم کشته ام، اینها همه دروغ محض است. [همهمه] این که نمی شود که، بگذارید من صحبت را

بکنم دیگر، [همهمه] خوب عیبی ندارد. هر کسی که می‌خواهد صحبت بکند باید مستند صحبت بکند، این که نمی‌شود که، خوب من هم مثلاً می‌گویم X آدم کشته، این جوری که نمی‌شود، اجازه بفرمایید. ببینید این که کسانی بخواهند با تهمت، با بدنام کردن و با دروغگویی به‌ایده‌های خودشان برسند، مطمئن باشند هیچ‌گاه به هیچ چیزی دست نخواهند یافت. آدمی که واقعاً به دنبال دموکراسی باشد و به دنبال آزادی باشد، مستند صحبت می‌کند، هیچ‌گاه الکی به کسی تهمت نمی‌زند. اگر کسی هر گونه مدرکی داشت، اشکالی ندارد بنده می‌آیم عذرخواهی می‌کنم. اگر کردیم [مجری: گوش کنید ببینید چه می‌گوید بعد جواب بدهید] مجازات هم باید بشویم، نه این که عذرخواهی بکنیم. یعنی اگر بنده در قتل، جنایتی در این جور کارها دست داشتم، من حاضرم هر دادگاهی در هر کجای دنیا شما بگویید بیایم محاکمه بشوم و مجازات بشوم. هیچ اشکالی ندارد. [تشویق حضار] ولی با دروغ نه. هر دادگاهی باید بر اساس مدرک و به‌طور مستند کار خودش را پیش ببرد. این نکته اول. شما انشاءالله، با همین روشها به مقاصد خودتان می‌رسید.

نکته دوم. بگذارید من جوابم را بدهم. دیگر مثل این که قرار نیست ما صحبت بکنیم [مجری: شما سؤال کردید بگذارید جواب بدهند برادر] نکته دوم، آن دوستان در مورد مسأله آیت‌الله منتظری سؤال کردند. اجازه بفرمایید من چندتا نکته را بگویم. در مورد مسأله آیت‌الله منتظری بنده خودم یکی از کسانی بودم که از اول معتقد بودم برخوردی که با ایشان می‌شود، برخورد منصفانه و عادلانه‌ای نیست و حصر ایشان و زندانی کردن ایشان در منزلشان غیر قانونی است و این چیزی است که من از سالها پیش نوشته‌ام، نوشته‌هایم هم وجود دارد، چاپ شده و تاریخ دارد. اولین باری که ایشان را زندانی کردند، در خانه‌شان حمله کردند، ما در ایران پنجاه تا اطلاعیه دادیم. همان موقع هم بسیاری از دوستانمان بازداشت شدند. از روز اولی که ایشان را بازداشت کردند، در منزل خودشان اصلاً به ایشان حمله شد، ما اعتراض کردیم. البته بنده ممکن است عقاید آیت‌الله منتظری را به دلیل این که سنتی است قبول نداشته باشم، ولی از آزادی ایشان دفاع می‌کنم. اگر ما خواهان دموکراسی هستیم، این دموکراسی برای همه است، هم با ریشها هم بی‌ریشها و هم با حجابها و بی‌حجابها [تشویق حضار] این نمی‌شود کسی که می‌گوید آزادی اندیشه با ریش و

پشم نمی‌شود، این دمکرات نیست و کسی هم که عکسش را می‌گوید، این دمکرات نیست. [تشویق] آزادی اندیشه یعنی این که همه باشند. حکومت دمکرات به لباس پوشیدن مردم کاری ندارد، به افکار مردم کاری ندارد، به زندگی خصوصی مردم کاری ندارد. شما هنوز به قدرت نرسیده‌اید، دارید وضع ریش و پشم را روشن می‌کنید، وضع حجاب را روشن می‌کنید، [تشویق] اصلاً آن دوست بزرگواری که می‌آید اینجا و به خانم مهرانگیز کار می‌گوید شما به دلیل این که مثلاً حجاب سرتان کردید، لائیک نیستید، اصلاً معنای لائیک را نمی‌داند. حکومت لائیک حکومتی هست که در دین مردم، در لباس پوشیدن مردم، در غذا خوردن مردم دخالت نمی‌کند. شما چه فرقی می‌کنید با آن رژیم‌هایی که به زور حجاب سر مردم می‌کند، شما می‌خواهید به زور حجاب را بردارید. [تشویق اکثریت]

ما باید در یک حکومت دمکرات پلورالیسم را بپذیریم. حکومت دمکراتیک حکومت پلورالیستی [است]. یعنی تنوع نظری و تنوع عملی را می‌پذیرد. یعنی به افکار مردم کاری ندارد، به اندیشه‌های مردم کاری ندارد، مردم هر فکری خواستند دنبال بکنند آزاد هستند، آزادی بیان دارند و آزادی سبک زندگی دارند. ما حق نداریم به مردم بگوییم چه جوری لباس بپوشند و چه جوری بپوشند. کسانی که از هم اکنون قدرت در دستشان نیست، دارند برای حجاب آینده مردم، برای ریش و صورتشان از حالا تکلیفشان را روشن می‌کنند. فردا هم اینها سرهای بسیاری را خواهند بُرید. در عمل هم نشان دادند. [تشویق] در مورد اعدام [تشویق] ببینید در موردی که مربوط به ایشان است خودشان جواب می‌دهند. ببینید در مورد اعدام‌هایی که شده، قتل‌های زنجیره‌ای که شده، خُب عیب ندارد بگذارید جواب بدهیم. دیگر اگر قرار هست جواب بدهیم، جواب بدهیم. اگر قرار نیست، خُب پرسش برای چه مطرح می‌شود؟ ببینید گروهی در این دو دهه در ایران معتقد بودند به یک روش برای نگه داشتن قدرت در دست خودشان. آن چیزی که در ایران اتفاق افتاد محصول - اجازه بدهید من صحبت‌م را خودم می‌توانم شرح بدهم - به دنبال انقلاب ایران - من می‌توانم چند دقیقه صحبت کنم آقا چیز مشکلی نیست، چون سؤال را باید شرح بدهم، [همه‌مُه برخیز] عیبی ندارد حتی به جنایتکارها باید اجازه داد صحبت بکنند [تشویق حضار] حتی جنایتکار باید بتواند از خودش دفاع بکند [تشویق حضار]

آنهايي که ببينيد، اجازه بفرماييد، عيبي ندارد، فرض بکنيد بنده يک جنايتکارم اينجا هم دادگاه است دارم محاکمه پس مي‌دهم ديگر. مي‌گويد در دادگاهي که جنايتکارها را محاکمه مي‌کردند، شما دادگاهي که دار و دسته هيتلر را محاکمه کردند نگاه بکنيد، ساعتها اين دادگاه طول کشيد. اينها آمدند از خودشان دفاع کردند، حرف زدند، هزاران قاضي از کشورهاي مختلف دنيا آمدند، قضاوت اين دادگاه را، هيأت منصفه داشت، هيأت ژوري داشت. شما که اجازه نمي‌دهيد ما از خودمان دفاع بکنيم. شما پيشاپيش تکليف را روشن کرديد، اصلاً چه جاي گفت وگو مي‌ماند. حالا اجازه بدهيد من [هممه] اجازه بفرماييد، عيبي ندارد [هممه] اجازه بدهيد، عيبي ندارد - ببينيد انقلاب اسلامي ايران محصول گفتمان و ديسکورسي بود که در دهه پنجاه در ايران حاکم بود. اين گفت وگو، اين گفتمان و اين ديسکورسي که در دهه پنجاه در ايران حاکم بود، به وسيله سه گروه توليد مي‌شد: يکي روشنفکرهاي مارکسيست بودند که اين گفتمانها را توليد مي‌کردند، يکي روشنفکرهاي سکولار بودند که اين گفتمانها را توليد مي‌کردند و يکي روشنفکرهاي مذهبي. منظورم از روشنفکرهاي مذهبي شريعتي و جلال آل احمد [است]، منظورم از روشنفکرهاي سکولار تيپهاي مثل داريوش شايگان، احسان نراقی، داريوش عشقي و اين گروه است و گروههاي چپ هم که شناخته شده‌اند. توده‌ايها، اکثريت و اقليت که آن موقع فداييا بودند. [هممه] اجازه بفرماييد. [هممه] حالا که حرف بدی نزديم ناراحت شديد که [هممه] گفتيم داريم شرح مي‌دهيم چه گروههايي قبل از ايران، قبل از انقلاب، در ايران فعال بودند. آيا تا اينجا تا حالا دروغ گفتيم، حرف بدی نزديم که به شما برخورد؟ [هممه] عيبي ندارد، همه اينها با ما بودند. عيبي ندارد، همه با ما بودند. [در جواب بعضي از حضار] [شخصي: همه نبودند] خوب همه نبودند، عيبي ندارد. [هممه] هر چه شما بگوييد ما تابعيم [تشويق] مي‌گفت که:

لاف عشق گله از يار همين لاف دروغ

عشق بازان چنين مستحق هجرانند

[تشويق حضار] تا موقعي که اين جوري به دمکراسي عشق بورزيد، مستحق هجرانيد. يعني هيچ موقع به معشوق دمکراسي دست نخواهيد يافت. [فحاشي چند نفر] اجازه بفرماييد. اين گفتمان که عمدتاً توسط [هممه] اين سه گروه توليد

می‌شد، یک گفتمان مسلطی را در قبل از انقلاب در دهه پنجاه تشکیل داد. این گفتمان هفت تا ویژگی داشت. اولین ویژگی این گفتمان انقلاب بود. یعنی تمام این گروه‌ها به دنبال انقلاب بودند. به دنبال براندازی رژیم شاه بودند و می‌خواستند به روشهای انقلابی و خشونت‌بار این رژیم را سرنگون کنند. یک رژیم دیگر جایگزینش کنند. این در همه این گروه‌ها مشترک بود.

نکته دوم، ویژگی دوم که اینها داشتند، این بود که گفتمان تولید می‌کردند. دیسکوری که تولید می‌کردند، دیسکورس ایدئولوژیک بود. همه گروه‌ها هم سوسیالیست، هم مذهبیون و هم لائیکها به شدت گفتارشان گفتار ایدئولوژیک بود. ویژگی سوم این بود که اینها به شدت غرب‌ستیز بودند و شما اگر گفتمان آن دهه را یک بار دیگر مرور بکنید، می‌بینید که در تمام آن گفتمان به شدت غرب‌ستیزی، دشمنی با امپریالیسم به قول کمونیستها تبلیغ و باز تولید می‌شد. این ویژگی سوم بود.

ویژگی چهارم این بود که با دموکراسی و آزادی نسبتی نداشتند. شما اگر به مکتوبات آن دوره، نوشته‌های آن دوره که این گروه‌ها تولید کردند، [نگاه کنید] می‌بینید در اندیشه آنها آزادی و دموکراسی هیچ جایی ندارد. صرفاً یک شعار هست که از آن استفاده شده ولی این تئوریزه نشده و در آن جایگاه بنیادی ندارد.

ویژگی بعدی این بود که همه آنها به دنبال یک اتوپیا، یوتوپیا بودند که در آینده بسازند. و ویژگی بعدی این بود که همه آنها یک نوع بازگشت به خویشتن را تبلیغ می‌کردند. بازگشت به خویشتنی که شریعتی و جلال آل احمد تبلیغ می‌کردند. بازگشت به صدر اسلام بود. بازگشت به خویشتنی که امثال لائیکها - شایگان و اینها - تبلیغ می‌کردند، بازگشت آسیا در برابر غرب بود. اگر شما کتاب آسیا در برابر غرب یا آنچه خود داشت احسان نراقی و آن بازگشت به خویشتنی که کمونیستها تبلیغ آن را می‌کردند، بخوانید، یک نوع جامعه بی طبقه کمونیستی در آینده‌های دور بود که در خود اردوگاه سوسیالیستی هم تحقق پیدا نکرد، قرار بود در ایران متحقق بشود. اینها هفت تا ویژگی گفتمان بود. با این گفتمان انقلاب ایران پیروز شد. موقعی که انقلاب ایران پیروز شد، خشونت جزء ذاتی انقلاب [است]، هیچ انقلابی نیست که خشونت در آن نباشد. به انقلاب فرانسه مراجعه بکنید، «هانا آرنست» متفکر

بزرگ آلمانی در کتاب انقلاب می‌گوید که داستان تمام انقلابها را از روی فرانسه نوشته‌اند. شما اگر به انقلاب فرانسه، به انقلاب شوروی مراجعه بکنید، کشتارها، خشونت‌ها و اعدامهای بسیاری می‌بینید که به‌طور ممتد صورت گرفته [است]. [قطع شدن نوار به مدت ۴۰ ثانیه] ... انتقام‌گیری از گذشته خودش نیست، نمی‌خواهد از کسی انتقام بگیرد. آن چیزی که به‌طور استراتژیک برای ما اصل است، عدم تکرار خشونت و روشن شدن حقیقت است. برای روشن شدن حقیقت هم من قبلاً چندین بار گفته‌ام، ما باید کمیته ملی کشف حقیقت درست کنیم، جنبش ضد خشونت درست کنیم، هم در داخل هم در خارج. [تشویق حضار] این جبهه ضد خشونت باید معطوف به‌براندازی از خشونت از نظر و عمل کلیه ایرانیان داخل و خارج باشد. [تشویق] و کمیته ملی حقیقت‌یاب باید از یک کمیته ملی مرکب از خانواده‌های کلیه کسانی که در این دوران به‌قتل رسیده‌اند، باشد. از حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران و چهره‌های ملی. و این کمیته مجاز باشد تمامی ترورها، اعدامها را از نو بررسی بکند، به کشف حقیقت نائل بشود و حقیقت را به مردم آن‌طوری که روی داده به‌طور مستند گزارش بکند. [تشویق حضار] مجری: خانم کار، آماده هستید شما جواب بدهید.

پاسخ مهرانگیز کار

سوالی که از من شد، در یک مورد مربوط به پرونده قتل فروهرها بود که سوال شد چه پیشرفتهایی داشته [است]. در ابتدا پیشرفت بسیار عمده‌ای را ما در عملکرد حاکمیت مشاهده کردیم که عبارت بود از اعلام این که گروهی از وزارت اطلاعات مرتکب این قتل شده‌اند، اما بعد از آن متأسفانه نیروهایی که نمی‌خواستند مسائل به‌طور کامل روشن بشود، به‌نوعی سکوت را به این پرونده تحمیل کردند و در مواردی هم که مصاحبه‌هایی برای روشن شدن اذهان عمومی انجام شد، این مصاحبه‌ها به‌هیچ‌یک از سوالات مردم در این باره پاسخ روشن نداد و قضیه در ابهام باقی ماند. متأسفانه وکیل پرونده طبق اعلام خودش در مصاحبه‌های مختلف هنوز شماره این پرونده را نمی‌داند و به‌او اجازه مطالعه این پرونده داده نشده است. روشن شدن وضعیت این پرونده و پرونده‌های مشابه با آن در ایران تبدیل به یک

خواست ملی شده است و چون یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی مطابق قانون اساسی این است که به امور سایر قوانین نظارت خاصی داشته باشد و بخصوص در امر قوه قضائیه و عملکرد آن، کاملاً این انتظار حق مردم ایران است که در اولین مراحل فعالیت مجلس ششم، این مجلس نظارت بر این قتلها را به عهده بگیرد و در جهت روشنگری در برابر نیروهایی که نمی خواهند وضعیت این قتلها از نظر شناخت آمران و کسانی که احتمالاً احکامی درباره این قتلها صادر کرده اند در پرده بماند، به این موضوع رسیدگی کند.

اگر مجلس ششم از این نظارت پرهیز بکند، در واقع شکستی برای جریان اصلاحات است. و اما سؤال دیگری که از من شد، درباره سرکوب زنان [بود]. تصور می کنم آنچه من خواهم گفت، تکراری است. سرکوب زنان و مردان پس از پیروزی انقلاب به صورتهای مختلف انجام شد، ولی به لحاظ حساسیتی که افراطیون نسبت به پوشاک زنان داشتند، این خشونت بیشتر متوجه زنان ایران شد. در اولین برخورد سرکوبگرانه حجاب اجباری شد. از همان ابتدا بخشهایی از زنان ایران علیه اجباری شدن حجاب اقدام کردند که به نتیجه خاص و فوری نرسید. ولی در حال حاضر زنان کوشش می کنند نه تنها موضوع حجاب بلکه همه قوانینی را که برای زنان حقوقی کاملاً نابرابر نسبت به مردان در نظر گرفته است، در اولویت برنامه اصلاح گرایان قرار دهند. اما تاکنون موفق نشده اند که اصلاح گرایان را متقاعد کنند که توجه و تأمین حقوق زنان در ایران حتماً در مقوله اولویتهای قرار بگیرد. و سؤال مکرری که در اینجا از من شد، درباره حجابی که در این برنامه بر سر دارم، آن را می سپارم به مراجعه به قوانین ایران و این که قانون اجباری بودن حجاب و این که عدم مراعات آن مجازات حبس دارد را مطالعه بفرمایید و این قانون را [تشویق حضار] از زاویه برابری حقوق انسانها و آزادی مردم برای انتخاب پوشاک مورد نقد قرار بدهید. حجاب من در این [مورد] [افرادی: اجباریست] حتماً اجباریست. [تشویق حضار]

پاسخ کاظم کردوانی

حضورتان عرض کنم راجع به سؤالاتی که از بنده شده، راجع به خطری که حالا جان

نویسندگان ایران را تهدید می‌کند. حقیقت این است که همه‌مان یاد گرفتیم در ایران با خطر زندگی بکنیم. [همه‌چند نفر] توجه بفرمایید، ببینید الآن طیف وسیعی که قربانی خشونت‌های ترورآمیز در ایران بودند، این طیف را نگاه بکنید، می‌بینید تنها به شما ختم نمی‌شود، یعنی در شما خلاصه نمی‌شود، در من خلاصه نمی‌شود. امروز از مذهبی و غیر مذهبی، از چپ و اصلاح طلب هر چه اسمش را بگذارید. در واقع جامعه ایران شرایطی دارد. من در صحبت‌ها هم گفتم، جامعه جامعه بحرانی است. این بحران در ذات جامعه ماست. تمام کوشش ما این است که چگونه بتوانیم در این دریا شنا بکنیم. شنا کردن در یک استخر کوچولو در خانه آدم خیلی آسان است، در دریا کار سختی است. توجه بفرمایید. ما عادت نداریم در خانه‌مان بنشینیم. ما عادت نکردیم — از سال‌ها — راجع به مشکلات جامعه‌ای که داریم بی‌غم باشیم و در نتیجه باید در این جامعه، در این وضعیت شنا بکنیم. دقیقاً من متوجه [سوال] دوست عزیزی که راجع به آقای مختاری و آقای پوینده از اعضای کانون نویسندگان به قتل رسیده بودند، نشدم. حقیقت این است که کانون نویسندگان آقای مختاری، آقای پوینده، آقای غفار حسینی و آقای میرعلایی [است]. ما چهار تا شهید داریم، چهار به اصطلاح دوست از دست دادیم. بعد کسان دیگری نظیر مجید شریف و زال زاده است. [...]

در واقع از خانواده‌های چهار عزیز از دست رفته تشکیل شده [است]. یعنی خانواده‌های فروهرها، خانواده پوینده و خانواده مختاری کسانی که در این کمیته هستیم و این کمیته را درست کرده‌ایم: آقای شاه‌حسینی، آقای معین‌فر، آقای صدر حاج سیدجواد، آقای زرافشان و آقای رئیس‌دانا. خوب برخی از وکلا در جلسه ما حضور دارند و ما تا آنجایی که توانستیم از طریق مراجعه مستقیم، از طریق نامه به ریاست قوه قضائیه، به ریاست جمهوری و آگاهی دادن به مردم تا آنجا که به اصطلاح نیرو داشتیم و توان داشتیم، عمل کردیم. ولی حقیقت این است که همان طور که خانم مهرانگیز کار فرمودند، ما به مسأله خیلی گره‌ای برخوردیم. این موضوع احقاق حق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای کار بسیار درازمدت و یک عزم ملی را می‌خواهد و ما تازه اول راه هستیم. من حرفم تمام شد. بفرمایید.

پاسخ حسن یوسفی اشکوری

قبل از این که آن سؤال خاصی که دوستان از بنده کردند جواب دهم، چون مرتب در صحبت برخی از آقایان و خانمها مطرح می شد، مسأله نمی دانم اسلام [را و این که] غیر مسلمانها فقط در ایران قربانی شدند، [جواب بدهم]. من البته فرصت بحث مفصل در این زمینه را ندارم. نمی خواهم که از دین خاصی، مذهب خاصی، فکر و اندیشه خاصی الآن اینجا دفاع کنم، فقط یک واقعیت را می خواهم به یاد دوستان بیاورم و آن هم این است که سرکوب، خشونت، فشار و استبداد مرز نمی شناسد و لذا در ایران بعد از انقلاب ما شاهد سرکوب و حشيانه‌ای که پیش آمد و سرکوب خونینی که روی داد، بودیم. همه گروهها، همه ایدئولوژیها، همه جریانها و همه افراد در این رابطه قربانی دادند. بنابراین مسأله فقط مسأله یک گروه خاص نبود که بگوییم فقط اسلام. اگر اسلام این جوری می خواهید حساب کنید... بنده مدعی هستم که در ایران گروههای اسلامی، افراد اسلامی و شخصیتهای دینی حتی در سطح مراجع دینی که علی القاعده در جمهوری اسلامی باید بیش از همه احترام داشته باشند، در طول این بیست سال بیش از هر گروهی مورد ستم و تجاوز و آزار قرار گرفتند. [همیشه] بنابراین این یک واقعیتی است. هر کسی که در ایران هست یا می داند و به آن اعتراف می کند و یا اگر لازم باشد می توان دهها نمونه و مورد را به آن اشاره کرد. یک نمونه اش برخوردی که با آیت الله منتظری شد که اینجا به آن اشاره شد یا اینجا شعار داده می شود: «زندانی سیاسی آزاد باید گردد». خوب، البته انتهایی که در گذشته بودند، زندانی بودند که حالا داستانش جداست. علی القاعده می گویند «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، زندانیان موجودند. اگر این چنین باشد، در حال حاضر از زندانیان سیاسی دو تن از روحانی برجسته در زندان ایران هستند. آقای کدیور و آقای عبدالله نوری و اینها روحانی و مسلمانند. بنابراین آنها هم قربانی خشونتند. آنچه مهم است، این است که باید با هر نوع خشونت تحت هر عنوانی و با هر نوع استبداد و سرکوب تحت هر عنوانی و مرامی به مخالفت برخاست. فقط بحث مسلمان و غیر مسلمان و چپ و راست و این ایدئولوژی و آن ایدئولوژی نیست. من در همین جا اشاره کنم که با بخشی از صحبتهای آقای گنجی هم موافقت ندارم و لذا چون فرصت نیست، به آن نمی پردازم. بحث این گروه و آن گروه نیست.

استبداد مرز خشونت نمی‌شناسد. اما سؤال خاصی که دوستان از من کردند، راجع به مسأله دین و دولت یا دین و روحانیت. اگر درست فهمیده باشم. متأسفانه سر و صدا طوری بود که درست سؤالی را متوجه نمی‌شدیم. اگر درست متوجه شده باشم، پاسخ بنده این است، پاسخی که بارها در ایران داده‌ایم، گفتیم، نوشتیم و منتشر کردیم. بنده اصولاً حکومت را از مقوله دین و از مقوله شرع نمی‌شناسم. بنابراین به حکومت فقهی، به حکومت روحانی و کلاً به حکومت فردی یا طبقاتی با عنوان اسلام، مارکسیست، سوسیالیسم، ناسیونالیسم تحت هر عنوانی بنده شخصاً با آن مخالفم. معتقدم حکومت یک مقوله انسانی است. [تشویق حضار] یک مقوله بشری است و بنابراین حکومت مبنای دموکراتیک دارد. یعنی این که اولاً حکومت برخاسته از رأی و خواست مردم است. ثانیاً قدرت، در اعمال قدرت باز هم باید از شیوه دموکراتیک استفاده کند و لذا اگر حکومتی در آغاز هم منشأ دموکراتیک و مردمی داشته باشد، اما بعدها در ادامه‌اش در اعمال قدرت و حاکمیت از شیوه‌های دموکراتیک استفاده نکند، باز حکومت دموکراتیک نیست. حالا اگر توفیقی بود در جلسه آینده که راجع به اسلام اصلاح طلب صحبت خواهم کرد، مفصلاً در این زمینه توضیحاتی تقدیم خواهم کرد. [تشویق حضار]

پاسخ عزت‌الله سخابی

البته با کمال معذرت چون خیلی شلوغ بود، یکی دو نفر از دوستان که سؤالی خاص از بنده داشتند، من حقیقتاً سؤالشان را متوجه نشدم. اگر لطف بفرمایند یک دفعه سؤالشان را تکرار بفرمایند، من متشکر می‌شوم. ولی آن قدر کلی و مبهمی که از سؤالشان فهمیدم، مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای و پرونده شهید فروهر و همسرش، همسر شهیدش [بود]. [یک نفر: نامفهوم] [تکرار سؤال توسط فرد سؤال‌کننده: سؤال من این است که نهضت آزادی ایران و حزب ملت ایران در اطلاعیه‌های وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به عنوان احزاب، سازمانها و نهادهای غیر قانونی بارها اعلام شده و حتی با کلمات بدتری هم در موردشان در اطلاعیه‌ها صحبت می‌شد. من نظر شما را راجع به این مسأله می‌خواهم که این وزارت اطلاعات کارش قانونی است یا غیر قانونی؟ و این وزارت اطلاعات چه حقی دارد